

«راز محبوبیت فوتبال» در میزگرد «ایران» باحضور مهراب صادق نیاوعلیرضا بلیغ

شور فوتبال؛ شوق زندگی

مهسا رضانی خبرنگار

فوتبال در دنیای امروز به امری فراتر از ورزش و سرگرمی بدل شده است و به این اعتبار، مورد مذاقه جامعه‌شناسان، فیلسوفان و پژوهشگران مطالعات فرهنگی و حتی عالمان علم سیاست هم قرار گرفته است. شوری که در متن این مستطیل سبزتولید و در گستره جهانی توزیع می‌شود، شوق زندگی را در انسان امروز ایجاد می‌کند از همین رو است که تحلیل گران بر این باورند که یکی از عرصه‌های معنابخش در دنیای امروز، در فوتبال برساخت می‌شود. معنایی که در فوتبال بازتولید می‌شود نه یک معنای فلسفی و هنری خاص که معنایی بسیط است و همه می‌توانند به درکی از آن برسند و با آن هم داستان شوند و شاید راز محبوبیت فوتبال هم همین است. «راز محبوبیت و سز مقبولیت فوتبال» را در میزگردی با حضور حجت‌الاسلام دکتر مهراب صادق نیا، دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی و عضو هیات علمی دانشگاه ادیان و مذاهب و دکتر علیرضا بلیغ، دکترای فلسفه علم و فناوری و عضو هیات علمی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی به بحث گذاشتیم.

■ **راز محبوبیت و سِرِ مقبولیت فوتبال را در چه می‌دانید؟**

دکتر علیرضا بلیغ: در دنیای جدید همه امور به نحوی در خدمت «به نمایش گذاشتن توانمندی‌های انسان» است تا او را در کانون این جهان قرار دهد. ورزش بویژه فوتبال نیز یکی از جلوه‌گاه‌های مهم این توانمندی‌ها است. از این رو، در دنیای مدرن جایگاه ویژه‌ای یافته است. ورزش‌هایی چون ژیمناستیک یا ورزش‌های رزمی، توانایی‌های فردی و تکنیکی انسان را خیلی بهتر از فوتبال نمایش می‌دهند اما فوتبال ورزشی فراتر از «نمایش تکنیک» است؛

نخست اینکه، فوتبال یک «درام» است و از این جهت همچون آینه‌ای، جهان جدید را بازمی‌نمایاند. در جهان قدیم، این باور حاکم بود که خدایی در کار است و در صحنه زندگی ما مداخله می‌کند. اما در دوره جدید هر چند هنوز خداوند به معنا «خالق» موضوعیت دارد ولی این انسان است که مسئولیت سرنوشت خود را برعهده گرفته و پذیرش این مسئولیت، برای او درمانی وجود آورده که در آن، اتفاقات و رخداد‌های غیرمنتظره با وجود آنکه گریبان‌کننده است اما برای آدمی جاذبه دارد. عناصری که در فوتبال در کنار هم چیده شده‌اند، این ویژگی را درنایتیک

را تقویت می‌کنند؛ به‌عنوان مثال «گرد بودن» توپ فوتبال، آن غیرمنتظره‌ای را با خود حمل می‌کند، طبیعتاً وقتی یک شیء، گرد به زمین انداخته می‌شود با اتفاقات غیرمنتظره‌تری در مقایسه با یک مکعب مواجه خواهیم بود. تعداد حساب‌شده‌ای از بازیکنان که شاید اگر کمتری یا بیشتر از این بودند حوادث بازی آنچنان که برای خلق یک درام ضروری است به چشم نمی‌آیند. حرکت پیش‌بینی‌ناپذیر بازیکنان و گردش توپ میان آنان خودش ماجراهای بسیاری در این بازی پدید می‌آورد. حتی فاصله تماشاچی‌ها از زمین مهم است. در برخی از لیگ‌ها مثل لیگ انگلیس تماشاچی‌ها همیشه چسبیده به زمین‌بازی، فوتبال را دنبال می‌کنند و به نوعی بیشتر در داستان فوتبال شریک می‌شوند. مجموعه این اتفاقات، فوتبال را از ورزشی که صرفاً نمایش‌دهنده توانایی و تکنیک‌های فردی است، جذاب‌تر کرده است.

دوم اینکه، «تاکتیک‌ها» در فوتبال، تلاش دارند این ورزش را محاسبه‌پذیر کنند در حالی که فوتبال نمی‌تواند از اتفاقات و رخداد‌های غیرمنتظره تهی باشد. ترکیب این دو، تضادی درونی را در فوتبال ایجاد می‌کند که تماشاچی را مسحور خویش می‌کند.

روجه سوم اهمیت فوتبال را می‌شود با وجود به مفهومی در آرای آلبرت بورگمان، فیلسوف تکنولوژی، فهمید. او معتقد است تکنولوژی با از بین بردن آداب و مناسک «ساخت وسایل در جهان» وجه اجتماعی و معنامند آنها را از بین برده است. در این شرایط، جهان از «اشیای کانونی» و از معنا تهی شده و ناپیلمه بسط پیدا می‌کند. اما انسان نمی‌تواند بدون معنا زندگی کند و در پی همین معنا اشیای کانونی تازه‌ای بر بساخت می‌کند. «فوتبال» یکی از آن اشیای کانونی مدرن است که با برپاکردن چنین خود معنای زندگی را برای انسان به ارمغان آورده است. وقتی در جهان جدید کلیسا، دیگر توان هویت‌بخشی جمعی خویش را از دست داده، این تولید معنا به شکلی در معنای‌های همچون زمین فوتبال، سینما یا کنسرت رخ می‌دهد. از زمین جهت، فوتبال با این معنابخشی در عصر مدرن، محبوبیت پیدا می‌کند و آنچه که بواسطه تکنولوژیک شدن و محاسبه‌پذیری از بشر گرفته شده در فوتبال دوباره زنده شده و به این اعتبار فوتبال بیش از هر ورزشی قابلیت تولید معنا دارد.

دکتر مهراب صادق نیا: هم من معتقدم فوتبال مجموعه‌ای از مناسک است.

چهارم اینکه، فوتبال امکان برساخت

باورداشت‌ها و امر قدسی را فراهم می‌کند؛ یعنی در فوتبال «امر مقدس» امکان بازنمایی دارد. وقتی فردی همچون محمد صلاح شادی بعد از گل خود را با سجده کردن نشان می‌دهد در واقع باور خود به خداوند را به نمایش می‌گذارد و امر قدسی را برساخت می‌کند. فوتبال به‌دلیل اینکه تماشاچی بیشتری دارد امکان بازنمایی نظام‌های فرهنگی و ارزشی بیشتری را محقق می‌کند و از این رو جذابیت بیشتری را هم ایجاد می‌کند.

پنجم اینکه، فوتبال در دوران معاصر، مرزبندی بین انسان‌ها از جمله «ملیت» راز بین برده است. برای مثال، در تیم ملی قطر چند نفر ملیت خود را رها کرده و تابعیت قطر را پذیرفته‌اند. این نشان می‌دهد که فوتبال فوق همه مرزبندی‌ها است.

ششم اینکه، تماشاگران از رهگذر فوتبال می‌توانند خود را ابراز کنند. گمنام‌ترین کشورها، بازیکنان، عقاید یا ایدئولوژی‌ها می‌توانند خود را در عرصه فوتبال محظ کنند و این هم بر کشش فوتبال می‌افزاید و آن را به امری فراتر از ورزش و سرگرمی بدل می‌کند.

■ **چرا فوتبال در برخی کشورها محبوب‌تر است و پیشرفت چشمگیریز پیدا کرده است؟**

صادق نیا:ابد این برد و باخت‌ها ربطی به میزان محبوبیت فوتبال ندارد. شما می‌توانید برزیل باشید و هفت گل هم از آلمان بخورید ولی فوتبال همچنان ورزش محبوب در کشورتان باشد. میزان محبوبیت فوتبال حتی ربطی به کیفیت فوتبال در یک جامعه هم ندارد مثلاً منچستر یونایتد یکی از تیم‌های محبوب در لیگ باشگاه‌های اروپا است اما دلیل محبوبیتش ابتدا تابع تعداد دفعاتی که قهرمان باشگاه‌های اروپا شده، نیست و اینترمیلان کارنامه موفق‌تری در مسابقات جام باشگاه‌های اروپا دارد اما یا این حال، منچستر محبوب‌تر است. در انگلستان، لیورپول کمتر قهرمان شده ولی باز میزان محبوبیتش بالاتر است.

فوتبال اروپایی محبوبیت ندارد. ولی در یک نگاه کلی، فوتبال به لحاظ عمومی در سطح جهان، مقبولیت بیشتری دارد چون با وجود پیچیدگی‌هایی که دارد در عین حال، خیلی ساده است و با یک توپ و خط کشی ساده می‌توان فوتبال بازی کرد. دوم اینکه، فوتبال قابل پیش‌بینی نیست، رکوردی ندارد که از پیش زده شده باشد و مشخص باشد که قرار است در زمین چه اتفاقی بیفتد.

■ **چرا فوتبال «ورزشی اروپایی» شناخته می‌شود؟ گویا فوتبال در آن آب و خاک بهتر رشد می‌کند. در واقع می‌خواهیم بدانیم آیا ربطی بین نوع فرهنگ یک سرزمین با ورزش خاص آن وجود دارد؟**

صادق نیا: بله حتماً فوتبال جغرافیا دارد و بعضی سیستم‌های فرهنگی ممکن است شانس بیشتر و برخی شانس کمتری در فوتبال بدهند. قطعاً فوتبال تابعی از فرهنگ و وضعیت جغرافیایی و محیطی است؛ مثلاً در یک نظام فکری – فرهنگی مثل ایران ۶۰ سال پیش که متغیرهایی مثل زور بازو اهمیت پیدا می‌کرد، ورزشی مثل فوتبال که آمیخته‌ای از هنر و هارمونی و همکاری است چندان جای نداشت. چون با فوتبال کمتر می‌شد فتوت و زور بازو را به نمایش گذاشت.

فوتبال همچون مدرنیته در برخی کشورها در یک فرایند طبیعی ایجاد شده است و در برخی سرزمین‌ها هم در یک فرایند مصنوعی و تقلیدی پرورش یافته است. مثلاً فوتبال ابداً در فرهنگ آمریکایی‌ها نیست ولی می‌کوشند تا این یک نظمی جهانی تقلید کنند یا مثلاً ژاپنی‌ها هیچ‌گاه فوتبالیست‌های خوبی نبوده‌اند ولی از بیست سال پیش با ساخت کارتون «فوتبالیست‌ها» تلاش کردند تا دانش مردم را تغییر دهند. در عوض ورزش «جوجوتسو» ورزش بومی ژاپن است همان‌طور که کشتی در ایران ورزش بومی ما است. بنابراین، فوتبال در چنین جوامعی نتیجه یک وضعیت طبیعی نیست بلکه نوعی مدیریت فرهنگی باعث شده تا فوتبال در آنجا با بگیرد و رشد کند.

بلیغ: عوامل جغرافیایی یا فرهنگی در رونق گرفتن فوتبال قطعاً تأثیر گذارند. چون عوامل محیطی ممکن است فزیک‌های

خاصی را بسازند که متناسب با فوتبال

باشند یا نباشند. زمینه‌های فرهنگی هم امکان پذیرش فوتبال را بیشتر یا کمتر کند.

با جهانی شدن سرمایه داری همان اتفاقی که در انگلستان افتاد در مستعمرات سرمایه‌داری نیز تکرار شد. در انگلستان، فوتبال ابتدا در جوامع کارگری گسترش می‌یابد و کارگران به آن به‌عنوان یک فراغت از کار و یا حتی فراتر از آن به‌عنوان راهی برای معنابخشی به زندگی می‌نگریستند. اما تبدیل فوتبال از یک تفریح یا از یک صحنه جست‌وجوی معنای زندگی به یک پیوستن به جهان مدرن برای کشورهاییک بن‌مایه فرهنگی آن را ندارند نوعی تقلید است. ولی به هر حال، این جهان در آمیزه‌ای از دعوت و اجبار، مردمان را با جذابیت‌هایش می‌فریبد و دل‌کنند از این جاذبه‌ها دشوار است.

■ **ام‌اف‌رق فوتبالی که در این شرایط ثانویه مدیریت شده‌ پامی‌گیرد با فوتبالی که در اروپا و در فرایندی طبیعی شکل می‌گیرد، چه چسیت؟**

بلیغ: در اروپا زیرساخت‌های تبدیل فوتبال به یک صنعت از پیش موجود مثابه یک کالا شناسایی کرده است. اما در اینجا به‌عنوان یک کشور خام‌فروش، اگر بخواهید فوتبال داشته باشید، اولین گام سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی است به گونه‌ای که اگر یک مجموعه صنعتی مثل مس رفتسنان، فولاد خوزستان و ذوب‌آهن اصفهان آنها را حمایت نکند اکوسیستم فوتبال بسرعت فرومی‌ریزد. اساساً فوتبال در ایران را نمی‌توان ذیل «منطق اقتصادی» معنا کرد چون دانم‌د فوتبال هزینه می‌کنیم و درآمدی به‌دست نمی‌آوریم وقتی این هزینه بدون حساب و کتاب برای فوتبال صورت می‌گیرد، بیش از اینکه آورده داشته باشد، هزینه دارد و همه از سیستم حکمرانی‌ی با وجود هزینه‌هایی که در فوتبال می‌کند- طلبکار هستند. از یک زاویه پول بی حساب و کتابی که در فوتبال هزینه می‌شود را حق کارگرانی می‌دانند که در کارخانه‌ها مشغول کارند و از طرف دیگر هم اهالی فوتبال از شیوه مدیریت دولتی فوتبال ناراضی هستند و معتقدند فوتبال و امکانات آن در ایران از استانداردی و کیفیت لازم برخوردار نیست. همه اینها به این دلیل است که زیرساختی که در غرب، فوتبال را ساخته هیچگاه در ایران محملی نداشته است.

■ **در مسابقات جام جهانی گاهی بالاترین مقامات کشورها برای تشویق تیم ملی شان در ورزشگاه‌ها حضور پیدا می‌کنند یا جام قهرمانی با حضور رئیس‌جمهورها بین تیم‌های برنده جایه‌ جا می‌شود؛ امری که در دیگر ورزش‌ها کم سابقه یا بی سابقه است. گویا «فوتبال» را از «سیاست» جدایی**

فوتبال و امکان تفریحی را ایجاد کردند.

آنان از رهگذر فوتبال کوشیدند تا فرایند صنعتی شدن را اجتماعی کنند. در برزیل و دیگر نقاط جهان هم همین اتفاق افتاد؛ خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم که نهضت‌های ملی در کشورهای مختلف دنیا اتفاق می‌افتد، غرب در بازتعریف خود از نحوه پیوستن جهان به فرایند مدرنیزاسیون برنامه‌هایی ارائه می‌کند و آن را «برنامه‌های توسعه» می‌نامد. یکی از محورهای برنامه‌های توسعه، ورزش و پیوستن به جهان مدرن برای کشورهاییک بن‌مایه فرهنگی آن را ندارند نوعی تقلید است. ولی به هر حال، این جهان در آمیزه‌ای از دعوت و اجبار، مردمان را با جذابیت‌هایش می‌فریبد و دل‌کنند از این جاذبه‌ها دشوار است.

■ **صادق نیا:**کنش سیاسی نزد بازیکنان فوتبال از رهگذر فوتبال کوشیدند تا فرایند صنعتی شدن را اجتماعی کنند. در برزیل و دیگر نقاط جهان هم همین اتفاق افتاد؛ خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم که نهضت‌های ملی در کشورهای مختلف دنیا اتفاق می‌افتد، غرب در بازتعریف خود از نحوه پیوستن جهان به فرایند مدرنیزاسیون برنامه‌هایی ارائه می‌کند و آن را «برنامه‌های توسعه» می‌نامد. یکی از محورهای برنامه‌های توسعه، ورزش و پیوستن به جهان مدرن برای کشورهاییک بن‌مایه فرهنگی آن را ندارند نوعی تقلید است. ولی به هر حال، این جهان در آمیزه‌ای از دعوت و اجبار، مردمان را با جذابیت‌هایش می‌فریبد و دل‌کنند از این جاذبه‌ها دشوار است.

■ **صادق نیا:**کنش سیاسی نزد بازیکنان فوتبال از رهگذر فوتبال کوشیدند تا فرایند صنعتی شدن را اجتماعی کنند. در برزیل و دیگر نقاط جهان هم همین اتفاق افتاد؛ خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم که نهضت‌های ملی در کشورهای مختلف دنیا اتفاق می‌افتد، غرب در بازتعریف خود از نحوه پیوستن جهان به فرایند مدرنیزاسیون برنامه‌هایی ارائه می‌کند و آن را «برنامه‌های توسعه» می‌نامد. یکی از محورهای برنامه‌های توسعه، ورزش و پیوستن به جهان مدرن برای کشورهاییک بن‌مایه فرهنگی آن را ندارند نوعی تقلید است. ولی به هر حال، این جهان در آمیزه‌ای از دعوت و اجبار، مردمان را با جذابیت‌هایش می‌فریبد و دل‌کنند از این جاذبه‌ها دشوار است.

■ **صادق نیا:**کنش سیاسی نزد بازیکنان فوتبال از رهگذر فوتبال کوشیدند تا فرایند صنعتی شدن را اجتماعی کنند. در برزیل و دیگر نقاط جهان هم همین اتفاق افتاد؛ خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم که نهضت‌های ملی در کشورهای مختلف دنیا اتفاق می‌افتد، غرب در بازتعریف خود از نحوه پیوستن جهان به فرایند مدرنیزاسیون برنامه‌هایی ارائه می‌کند و آن را «برنامه‌های توسعه» می‌نامد. یکی از محورهای برنامه‌های توسعه، ورزش و پیوستن به جهان مدرن برای کشورهاییک بن‌مایه فرهنگی آن را ندارند نوعی تقلید است. ولی به هر حال، این جهان در آمیزه‌ای از دعوت و اجبار، مردمان را با جذابیت‌هایش می‌فریبد و دل‌کنند از این جاذبه‌ها دشوار است.

■ **صادق نیا:**چه تهدیدی؟ آنها دیدند که فوتبال به یک صنعت از پیش موجود مثابه یک کالا شناسایی کرده است. اما در اینجا به‌عنوان یک کشور خام‌فروش، اگر بخواهید فوتبال داشته باشید، اولین گام سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی است به گونه‌ای که اگر یک مجموعه صنعتی مثل مس رفتسنان، فولاد خوزستان و ذوب‌آهن اصفهان آنها را حمایت نکند اکوسیستم فوتبال بسرعت فرومی‌ریزد. اساساً فوتبال در ایران را نمی‌توان ذیل «منطق اقتصادی» معنا کرد چون دانم‌د فوتبال هزینه می‌کنیم و درآمدی به‌دست نمی‌آوریم وقتی این هزینه بدون حساب و کتاب برای فوتبال صورت می‌گیرد، بیش از اینکه آورده داشته باشد، هزینه دارد و همه از سیستم حکمرانی‌ی با وجود هزینه‌هایی که در فوتبال می‌کند- طلبکار هستند. از یک زاویه پول بی حساب و کتابی که در فوتبال هزینه می‌شود را حق کارگرانی می‌دانند که در کارخانه‌ها مشغول کارند و از طرف دیگر هم اهالی فوتبال از شیوه مدیریت دولتی فوتبال ناراضی هستند و معتقدند فوتبال و امکانات آن در ایران از استانداردی و کیفیت لازم برخوردار نیست. همه اینها به این دلیل است که زیرساختی که در غرب، فوتبال را ساخته هیچگاه در ایران محملی نداشته است.

■ **در مسابقات جام جهانی گاهی بالاترین مقامات کشورها برای تشویق تیم ملی شان در ورزشگاه‌ها حضور پیدا می‌کنند یا جام قهرمانی با حضور رئیس‌جمهورها بین تیم‌های برنده جایه‌ جا می‌شود؛ امری که در دیگر ورزش‌ها کم سابقه یا بی سابقه است. گویا «فوتبال» را از «سیاست» جدایی**

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

آنها را به عهده داشت و این یک رقابت نابرابر بود.

بلیغ: برعکس دکتر صادق نیا، معتقدم سیاسی بودن فوتبال چندان ارتباطی به ایران ندارد. فوتبال در بسیاری از کشورهای دیگر هم سیاسی است. شعار باشگاه بارسلونا «فراتر از یک باشگاه» است و اساساً برای مبارزه سیاسی با حکومت مرکزی اسپانیا شکل گرفته است. اقدامات مارادونا و تیم‌ملی آرژانتین در زمان جنگ بر سر جزایر فالکلند یا همین حذف روسیه به واسطه جنگ اوکراین را باید در این راستا خوانش کرد. اگر سیاست در ورزش و فوتبال دخیل نیست، چرا روسیه باید از جام جهانی حذف شود؟!

مسئله تناقض در نظام سرمایه‌داری و ابرازها، نهادها و سازمان‌های آن است و فیفا هم یکی از آنها است. در جام جهانی جاری، قطر ۲۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده است و اگر این جام جهانی برگزار نمی‌شد، نخست قطر و بعد فیفا متضرر می‌شدند. منطق دنیای امروز اقتصادی است. هر گاه سیاست آن منطق اقتصادی را به خطر بیندازد، اتفاقاً فوتبال سیاسی می‌شود.

در مورد ایران که یک شرایط انقلابی را با شعار «استقلال» پشت‌سر گذاشته، تا اطلاع ثانوی هر چیزی از جمله فوتبال در ایران سیاسی است. منتهی این امر به اقتصاد سیاسی ما ارتباط پیدا می‌کند. در اقتصاد ما به واسطه رانتیر بودنش، زمینه سهم شدن مردم در ساخت ایران فراهم نشده است و چون دولتی یا به نحوی رانتی خصوصی است، سیاسی هم می‌شود.

پرسش اصلی اینجا است که آیا اقتصاد تاب شعارهای ما بویژه در مساله «استقلال» «عدالت» را می‌آورد؟ واقعیت این است که ما باید اقتصاد سیاسی‌مان را متناسب با شعارهایمان طراحی می‌کردیم. دلیل اینکه سال‌ها است رهبر انقلاب از اقتصاد مقاومتی و تولید صحبت می‌کنند این است که آن اقتصاد تا نتواند از شکل خام‌فروشی خارج شود، اساساً نمی‌تواند آن شعارها را تاب آورد. می‌خواهم بگویم در نظام سرمایه‌داری اگر مانعی گردش این چرخ را مختل کند، به آن واکنش سیاسی نشان داده

و آن را حذف می‌کند، کما اینکه با روسیه هم همین کار را کرد و حتی در این اتفاق اخیر نیز می‌خواست ایران را در جام جهانی حذف کند و اگر اقدامات ایران نبود، احتمالاً این اتفاق می‌افتاد.

بنابراین فوتبال پیش از ما هم ماهیت و شکل سیاسی داشته است. در ایران به دلایل خاص خودش از اول سیاسی بوده است، ولی ما می‌توانستیم این شکل از سیاسی شدن فوتبال را با اصلاح اقتصاد سیاسی خودمان معقول‌تر کنیم. اگر فوتبال با ناهنجاری‌هایی روبه‌رو شده به این دلیل است که قواعدی که باید زیرساخت سالم فوتبال را بسازد، رعایت نشده است.

صادق نیا:من، چون شما، به این بدبینی

به فوتبال در سطح جهان و به این خوشبینی

به فوتبال در کشور خودمان نگاه نمی‌کنم.

دکتر بلیغ معتقد هستند اقتصاد فوتبال در

کشور ما ناکارآمد و فسادزا است. پرسش من

از ایشان این است که اقتصاد در کجای ایران

بر اساس منطقی که مطرح کردند، گرفتار

این ماجرا نیست؟ بر اساس این منطق که

من هم آن را قبول دارم، فساد تنها منحص

به فوتبال نیست، همه‌جا هست.

بلیغ: بله، همه‌جا همین‌گونه است و

اتفاقاً با فوتبال آن فساد را می‌پوشانند.

صادق نیا: دقیقاً، اما در خصوص بدبینی

به بیرون باید این نکته را هم اضافه کنم که

حذف روسیه دست‌کم در توجیهی که ارائه

می‌کنند یک تصمیم سیاسی نیست یعنی

روسیه را به این دلیل که سیستم حکومتش

از فلان مشکل رنج می‌برد، از شرکت در

جام جهانی ممنوع نکرده‌اند بلکه آنها را با

این منطق محروم می‌کنند که شما به یک

کشور دیگر تجاوز کرده‌اید، کودک کشید،

خانه خراب کرده‌اید و به وجدان عمومی در

سطح جهان آسیب زده‌اید.

بلیغ: به‌همان منطق حقوق بشری‌شان،

چرا عربستان حذف نشد؟ عربستانی‌ها

یمنی‌ها را نمی‌کشند؟ در مورد ایران چطور؟

می‌کردند.

صادق نیا:چه تهدیدی؟ آنها دیدند که

نمی‌توانند تفسیر غیرسیاسی از حذف ایران

ارائه دهند. به همین دلیل این کار را نکردند،

با وجود اینکه هیچ‌گاه اجماع جهانی علیه

کشور ما تا این اندازه نبوده است. ممکن

است تا در در فدراسیون فوتبال هستند،

گرایش‌های سیاسی داشته باشند یا از یک

اندیشه سیاسی خوش‌شان یا بدشان نباید

اما حداقل پوسته قضیه را رعایت می‌کنند

ولی در کشور ما این موضوع‌گیری‌ها عریان

است چه به لحاظ داخلی و چه به لحاظ

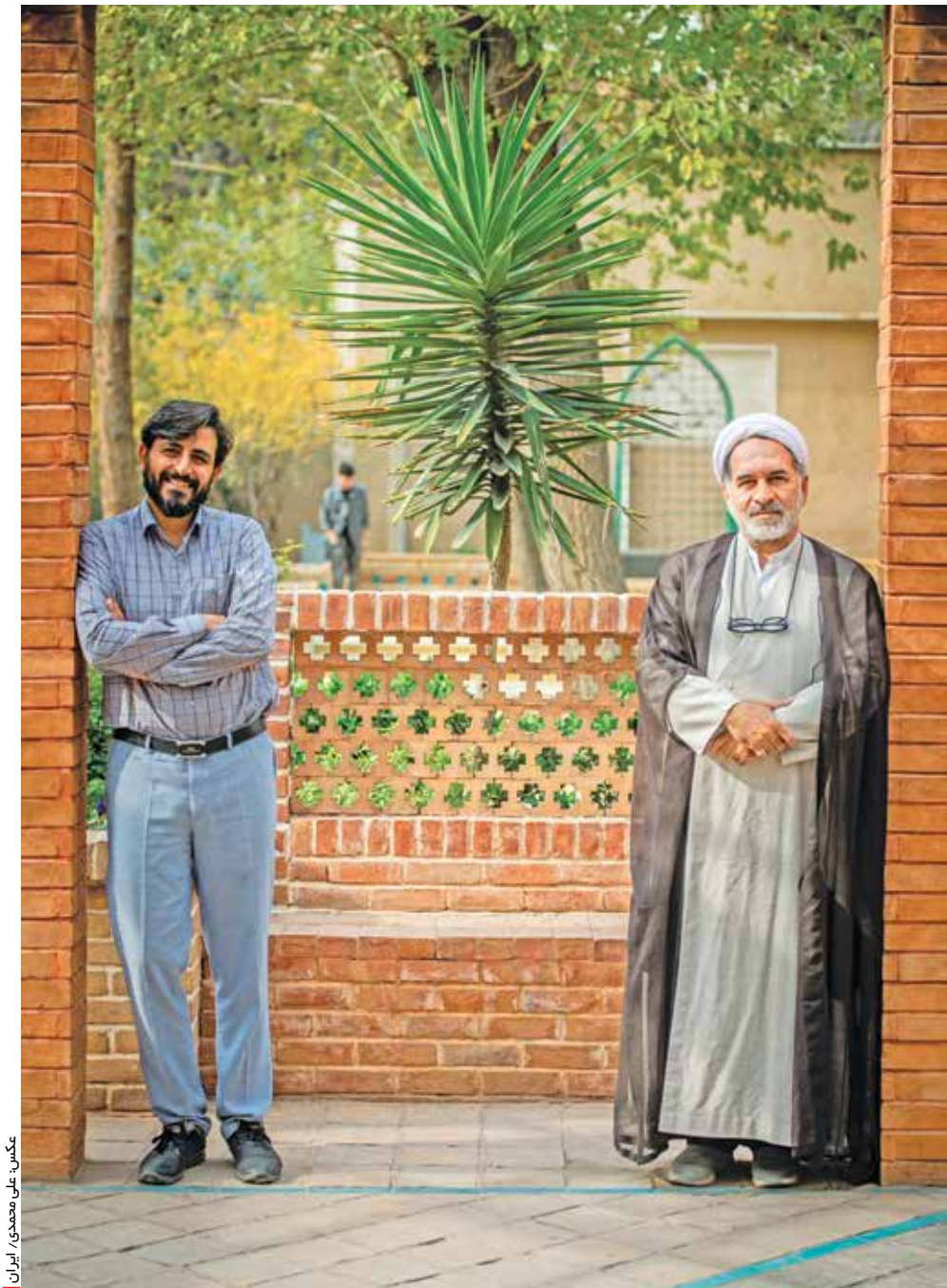
بیرونی و این آسیبی است که ما از آن رنج

می‌بریم و نتوانستیم به یک تفکیک و

تعریفی از آن برسیم. در کشور ما کمترین

تصمیم‌ورزشی با ملاحظات سیاسی گرفته

می‌شود.



محمدرضا بلیغ

مهسا رضانی